

مسجد جلیلی و فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب

مرتضی شیرودی

عضو هیات علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

مقدمه

آنچه باعث توجه تحلیل‌گران امور اجتماعی - سیاسی به انقلاب شد، نقش باورهای دینی، نهادها و نیروهای مذهبی در آفرینش آن بود، در این میان نقش نیروهای مذهبی، مساجد و به ویژه روحانیون در برابر وضع ناگوار جامعه که حاضر به سکوت نشدند و برای بیداری و آگاه ساختن مردم از تمام تلاش خود استفاده کردند، حائز اهمیت است. مردم برای انجام فرایض دینی به مسجد می‌آمدند، روحانیون از این مکان در جهت ارتباط مستقیم با مردم استفاده کردند و در کنار بیان مسائل دینی و معنوی، مسائل اجتماعی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به مردم گوشزد می‌نمودند. بنابراین طولی نکشید که مساجد به پایگاهی برای فعالیت علیه رژیم تبدیل شدند. مهم‌ترین فعالیت مساجد عبارت بودند از: توزیع اعلامیه‌ها، سخنرانی، آموزش قرآن و مسائل دینی، تفسیر قرآن، کمک به محرومین جامعه، برگزاری جشن‌های مذهبی و مراسم سوگواری، بیان فتاوی مجتهدین به ویژه امام خمینی (ره) و مانند آن. این قبیل فعالیت‌ها باعث حساسیت بیش از حد ساواک به مساجد شد اما از آنجا که مساجد در سراسر شهرها و روستاها پراکنده بود ساواک نمی‌توانست کنترل دقیقی را بر آن‌ها داشته باشد. از سوی دیگر قادر نبود همه مساجد را تعطیل کند. تنها کاری که می‌توانست انجام دهد ممنوع‌المنبر کردن و در بعضی مواقع تبعید و یازدانی کردن روحانیون بود. با این حال فعالیت سیاسی مساجد هیچ‌گاه تعطیل نشد و در شرایط بحرانی که امکان فعالیت سیاسی به صورت آشکارا وجود نداشت در پوشش فعالیت‌های غیرسیاسی (فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی) اهداف خویش را دنبال می‌کردند.

تاریخچه مسجد جلیلی

از مساجدی که در این زمینه فعالیت داشت می‌توان به مسجد جلیلی اشاره کرد که علاوه بر آموزه‌های دینی، مسائل سیاسی را نیز در اختیار علاقه‌مندان به ویژه جوانان قرار می‌داد. امامت جماعت مسجد جلیلی آیت‌الله مهدوی کنی بود که از همان ابتدا مسجد را به سوی مسائل سیاسی، فرهنگی و خدماتی سوق داد. از جمله اقدامات ایشان در این زمینه می‌توان به بهره‌گیری از وعاظ انقلابی، حمایت و انتقال اندیشه امام(ره)، تشکیل کلاس‌های آموزشی، تشکیل گروه امدادگران بیماران و مستمندان آبرومند اشاره کرد. مسجد جلیلی یا فرشچی به نام بانی اش حاج مهدی جلیلی فرشچی نام‌گذاری شد. حاج مهدی جلیلی این مسجد را در ۱ فروردین ۱۳۴۰ وقف کرد و فرزندان او را متولی مسجد قرار داد. مسجد جلیلی در ایران شهر جنوبی در میدان فردوسی بود و افرادی هم که در آنجا سکونت داشتند بعضاً یا بهایی یا مسیحی و یا یهودی بودند. جلیلی پیش از افتتاح مسجد درگذشت و بر خلاف وصیت خود در قم به خاک سپرده شد. زیرا شهرداری با دفن ایشان در مقبره کتابخانه مسجد مخالفت کرد. مسجد در سال ۱۳۴۰ به دست آیت‌الله سرخه‌ای افتتاح شد. مدتی بعد آیت‌الله سرخه‌ای داماد خود آیت‌الله مهدوی را به عنوان امامت جماعت برگزید. آیت‌الله مهدوی نحوه آغاز فعالیت خود را چنین بیان می‌کند: بنده از قم که آمدم تقریباً اواخر سال ۱۳۴۰ بود. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی، این مسجد تازه بنا شده بود و از بنده دعوت کردند که من در آنجا امامت کنم، البته واسطه این دعوت هم مرحوم آیت‌الله سرخه‌ای پدرزن بنده بودند. مکان مسجد جلیلی آن موقع در بالای شهر تهران حساب می‌شد. ماه رمضان سال ۱۳۴۱ بنده در آنجا اقامه نماز می‌کردم. در ابتدا تعداد اندکی جذب مسجد شده بودند؛ محمد زرگر که از اعضای دائم مسجد بود در این باره گفته است: اوایل خیلی خلوت بود. مثلاً شب‌های اول ما فقط پنج نفر بودیم. بعدها با حضور آیت‌الله مهدوی کنی و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و آموزشی ایشان به تدریج جمعیت مسجد بیشتر شد. اولین اقدام آیت‌الله مهدوی تلاش برای بستن و یا خریدن مغازه مشروب‌فروشی روبه‌روی مسجد بود. به تدریج ساکنین منطه که اکثر اقلیت‌های دینی بودند نه تنها واکنش منفی در برابر فعالیت‌های مسجد نشان ندادند بلکه از فعالیت‌های آموزشی آن نیز استقبال کردند.

مسجد جلیلی و نهضت اسلامی

پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر سیاسی مذهبی مطرح شد. با توجه به شرایط سیاسی موجود در این دوره زمینه برای فعالیت سیاسی در مسجد مهیا شد و کارهایی از قبیل توزیع اعلامیه‌های امام، بیان نظرات او و حمایت قاطعانه از رهبری امام در صدر کارهای مسجد قرار گرفت. فعالیت‌های مسجد جلیلی بسیار گسترده بود از جمله:

الف - پایگاهی برای انتقال اندیشه امام خمینی (ره)

سیاسی شدن مسجد جلیلی مرهون تفکر و عملکرد سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی بود. کارهای سیاسی در زیر پوشش کارهای فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گرفت. رساله امام تدریس می‌شد. در واقع مسجد جلیلی یکی از اولین پایگاه‌هایی بود که مبارزه با شاه را آغاز کرد. آیت‌الله مهدوی نحوه فعالیت خود را در این مسجد چنین توصیف می‌کند: بعد از فوت آقای بروجردی، در مرجعیت احدی را اسم نیاوردم و می‌گفتم من غیر از امام کسی را نمی‌شناسم. آن وقت در مسجد اسم امام را بردن ممنوع بود. اوایل که می‌شد ما رساله بخوانیم رساله را باز می‌کردم و در هر منبری دو مسئله از فتوای آیت‌الله العظمی خمینی را می‌گفتم: در شرایطی که بعد از واقعه پانزده خرداد و تبعید امام پیش آمده بود در هیچ کجا جرأت بردن اسم امام نبود؛ اما آیت‌الله مهدوی صراحتاً از امام یاد می‌کرد و این امر سبب جذب افراد زیادی به مسجد شد که از میان آنها می‌توان به مهندس گل افشانی، مهدی بازرگان و سحابی اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های مسجد به منظور آشنائی هر چه بیشتر با امام می‌توان به فروش رساله امام و بیان نظرات امام در زمینه‌های مختلف اشاره کرد. برای انتقال اندیشه امام نیاز به بهره‌گیری از وعاظ خاصی بود و این امر وجه تمایز مسجد سیاسی با دیگر مساجد است. در این خصوص مسجد جلیلی با بهره‌مندی از بهترین سخنرانان به پایگاه و کانون مبارزاتی علیه حاکمیت پهلوی تبدیل شد. نحوه انتخاب و عاظ به خصوص در ماه رمضان، محرم و صفر برای مسجد اهمیت دوچندان داشت و در مورد این مسئله گاه میان متولی مسجد (حاج ضیاءالدین جلیلی) و آیت‌الله مهدوی اختلاف نظر وجود داشت.

حاج جلیلی خواهان دعوت از وعظی بود که مشکلی را برای مسجد ایجاد نکنند و مکرر یادآور می‌شد که می‌ترسم با بی‌پروایی آقای مهدوی کنی در انتخاب وعظ، درب این مسجد را ببندند! در مقابل آیت‌الله مهدوی می‌گفتند: مسجد ساختن، افتخار نیست؛ در مسجد باید حرف حق گفته شود، اگر درب مسجد بسته شود طوری نیست؛ ولی ما وظیفه‌ای داریم که باید آن را انجام دهیم. آیت‌الله مهدوی اصرار داشت انتخاب وعظ را به شور بگذارد تا در صورت مخالفت رژیم با منبر وعظ دعوت شده، به نوعی در صدد جلب موافقت دعوت‌کنندگان برآید، ولی غالباً پیش از ماه محرم از کلانتری متولی مسجد را احضار کرده و او را ملزم می‌کردند تا فقط از وعظ مجاز استفاده کند، علی‌رغم وجود چنین محدودیت‌هایی مسجد همچنان به برنامه‌های خود ادامه داد و از وجود وعظ انقلابی بهره برد. آیت‌الله مهدوی خود از سخنرانان اصلی مسجد بود که پیرامون مسائل مختلفی که اغلب حول محور اسلام (از جمله مسئله حکومت اسلام و تعیین نوع حاکمیت برای کشور) و مسائل دیگر نظیر اقتصاد اسلامی بود؛ سخنرانی می‌کرد. در سخنرانی که در ۱۱ شهریور ۱۳۵۷ ایراد کرد در رد مندرجات مطبوعات اظهار داشت: ما فقط به دنبال حاکمیت اسلام هستیم نه چیز دیگر. از دیگر سخنرانی‌های آیت‌الله مهدوی که نشان‌دهنده فعالیت سیاسی مسجد بود می‌توان به مورد زیر اشاره کرد: «در مملکت ما عده‌ای دین را باعث بدبختی و فقر می‌دانند. این بزرگترین اشتباه ملت ما است. اگر احکام دین را به خوبی انجام دهند تمام کارها درست می‌شود و این دین نیست که شما را بدبخت و بیچاره می‌کند؛ بلکه این گردانندگان بدسرت مملکت هستند که عامل بدبختی و فقر می‌باشند. چرا اسم دین را بدنام می‌کنند. این‌ها هستند که ملت را به لب‌پر نگاه می‌کشاند نه دین. تمام بدبختی‌ها از خود دستگاه حاکمه می‌باشد، ولی همه فریادهای انسان را در سینه‌ها خفه کرده‌اند.» ایشان در سخنرانی‌های خودش و سایر وعظ بر این نکته تأکید داشت که مطالبی گفته نشود که فقط احساسات را برانگیزد و بی‌محتوا باشد، مطالب باید روشن‌گر و آگاهی‌بخش باشند. از دیگر وعظ مسجد می‌توان به آیت‌الله مطهری، دکتر محمدجواد باهنر، استاد محمدتقی شریعتی، عباسعلی روحانی، شیخ جعفر شجونی و عبدالکریم هاشمی‌نژاد و حجة الاسلام قرائتی اشاره کرد. آیت‌الله مطهری سخنرانی‌هایش حول مباحثی چون راه‌گریز از کفر،

چپ‌گرایی و مادی‌گرایی تمرکز یافته بود. دکتر باهنر در جهت از بین بردن عوامل خارجی (چون خرافه‌پرستی) که در دین رخنه کرده تلاش می‌کرد و در این راستا بر دو نکته تأکید داشت: ۱. تنها نباید به کسب معلومات دینی پرداخت و باید در تمام علوم پیشرفت کرد. ۲. مردم آگاه باشند که حکومت‌ها برای رسیدن به اهداف خود و استفاده از مردم، به دین رنگ انحرافی داده و مردم را گول می‌زنند. شهید عبدالکریم هاشمی نژاد پیرامون سه مطلب سخنرانی می‌کرد: ۱. درباره ویژگی حکومت اسلام نسبت به حکومت کمونیستی و سرمایه‌داری و نیز بر این نکته تأکید داشت که در اسلام، نه کمونیستی مطلق مطرح است و نه سرمایه‌داری. ۲. آگاه ساختن مردم از خطر کمونیست‌ها. ۳. بحث درباره معاد و روز رستاخیز و انحرافات اخلاقی جوانان. حجة الاسلام قرائتی ضمن تفسیر آیات قرآن با کتایه به رژیم حاکم اشاره می‌کرد. مثلاً با اشاره به آیات مربوط به فرعون می‌فرمود ظلمی که از سوی طاغوتیان به مردم تحمیل می‌شود قابل دوام نیست.

ب - پایگاه ضدصهیونیسم

در شرایطی که حکومت ایران در صف حامیان اسرائیل قرار داشت، مسجد جلیلی به عنوان یکی از پایگاه‌های مبارزاتی در حمایت از فلسطینی‌ها و نفی اسرائیل فعالیت می‌کرد و سخنرانی‌های و عاظ با یادآوری مظلومیت مردم فلسطین و دعا برای آزادی آنان و شکست صهیونیسم خاتمه می‌یافت. در این مسجد علاوه بر کمک به مردم فلسطین به شیعیان جنگ‌زده لبنان نیز کمک‌رسانی صورت می‌گرفت.

در زمینه گروه‌های شرکت‌کننده در مسجد جلیلی باید بر دو نکته تأکید کرد: ۱. جوان‌گرایی و جنب جوانان: یکی از عوامل موفقیت مسجد پیوند با جوانان بود. عاملی که سبب جذب جوانان (به خصوص دانشجویان) به مسجد می‌شد حضور و عاظی بود که همه علاقه‌مند به اسلام و انقلاب بودند. به طور خلاصه باید گفت: بازگویی مسائل مذهبی به زبان روز برای جوانان جذاب بود. مسجد برای بازدهی بهتر از وجود جوانان استفاده می‌کرد حتی از جوانان چه از نظر شناساندن مسجد به قشر تحصیل کرده به عنوان مرکزی پویا در جهت مبارزات سیاسی و مسائل فرهنگی و چه به لحاظ پرورش فکری جوانان که سدی در برابر

کشش آنان به انحرافات و مسائل غیراخلاقی بود، بهره می گرفت. ۲. غیر بومی بودن اعضای مسجد: اکثر افرادی که به مسجد می آمدند به محله های دیگر تعلق داشتند. عامل مهم در جذب این افراد فعالیت های مذهبی مسجد بود تا آنجا که قاضی طباطبائی می گوید: «ما که آنجا رفتیم هیچ وقت اهل آنجا نبودیم، تنها عامل کشش آن مسجد برای ما همین بود که فعالیت مذهبی داشت.»

علاوه بر افراد و گروه های مذکور، تعدادی از مبارزین سیاسی نظیر اعضای سازمان مجاهدین خلق اولیه، و افرادی چون سید علی اندرزگو (یکی از عاملین ترور حسنعلی منصور) و ملی گراها و اعضای نهضت آزادی در جلسات مسجد شرکت داشتند. گرایش ملی گراها و اعضای نهضت آزادی به این مسجد به خاطر این بود که جناح سیاسیون ملی گرا آیت الله مهدوی را قبول داشتند. آیت الله مهدوی در خصوص گرایش گروه های سیاسی - مذهبی به وی و افرادی چون استاد مطهری و شهید بهشتی می گوید:

در آن زمان بالاخره افرادی که تا حدودی روشن تر فکر می کردند نمی توانستند خود را به طور کلی از روحانیت جدا کنند و به همین دلیل به سمت مرحوم آیت الله طالقانی و بعد مرحوم مطهری و بعد هم به سمت مرحوم شهید بهشتی روی آوردند. از آنجا که مسجد ما مسجد انقلابیون بود با بنده هم ارتباط داشتند. از دیگر افرادی که در برنامه های مسجد (پیش از انقلاب) حضور داشتند می توان به آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری) و آیت الله هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. مسجد جلیلی محل فعالان سیاسی مسجد هدایت پس از تعطیلی آن نیز بود. این مسجد که تحت زعامت آیت الله طالقانی، فعالیت های سیاسی بارزی داشت، در کنار مسجد جلیلی، مرکزی برای سازماندهی مخالفان حکومت محسوب می شد.

ج - پایگاه اطلاع رسانی

از دیگر فعالیت های سیاسی مسجد، پخش اعلامیه بود. پخش اعلامیه ها در طیف وسیعی صورت می گرفت و تنها به شهر تهران محدود نمی شد. اعلامیه های امام را از طریق رادیو لندن یا رادیو عراق ضبط می کردند و بعد از پیاده کردن روی کاغذ، آنها را پخش می کردند.

بخش این اعلامیه‌ها زیر نظر آیت‌الله مهدوی‌کنی بود. یکی از اتفاقاتی که در ارتباط با مسجد جلیلی به وقوع پیوست، کشته شدن حسنعلی منصور (دومین نخست وزیر انقلاب سفید) به دست محمود بخارایی (از اعضای هیئت مؤتلفه) در بهمن ۱۳۴۳ بود. با تصویب لایحه مصونیت قضایی اتباع آمریکایی (کاپیتولاسیون) که امام از آن به عنوان سند بردگی ملت ایران تعبیر کرد، مردم آرام ننشستند چرا که تصویب چنین لایحه‌ای نه تنها توهین به ملت ایران بود بلکه نشان از ضعف و ناتوانی دولت و دستگاه قضایی کشور بود که سرانجام این ناآرامی‌ها به کشته شدن حسنعلی منصور انجامید. ساواک پس از اطلاع از ارتباط مسجد با جریان قتل منصور حیطه نظارتی خود را افزایش داد و مأمور ویژه‌ای را پس از آموزش به مسجد اعزام کرد تا به طور مرتب در جلسات آن شرکت کرده و اطلاعات لازم را کسب کند.

د- دیگر فعالیت‌های فرهنگی سیاسی

از فعالیت‌های فرهنگی مسجد جلیلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: امور آموزشی: موفقیت مسجد جلیلی در جنب جوانان به این دلیل بود که علاوه بر مسائل دینی وارد فعالیت‌های آموزشی نیز شد؛ با این کار هم در جهت پرورش فکری جوانان گام برداشت و هم از آن به عنوان پوششی مناسب برای مبارزات خود علیه رژیم استفاده کرد. گل‌افشانی (یکی از اعضای ثابت مسجد جلیلی) ضمن تأیید این مطلب می‌گوید: برای آگاه شدن مردم باید کار فرهنگی کرد. اگر مردم از حقیقت و واقعیت اطلاع پیدا کنند خودشان به عنوان نیروی محرکه در اجتماع می‌توانند اثرگذار باشند. به این دلیل ما کار فرهنگی را شروع کردیم. اقدامات مسجد در زمینه امور آموزشی: آموزش رایگان (آموزش هم در زمینه قرآن و هم در دروسی دیگر چون فیزیک، شیمی، ریاضی و زبان انگلیسی) که این امر بسیار مورد توجه جوانان و خانواده‌های کم‌درآمد قرار گرفت. علاوه بر این، جلسات هفتگی تفسیر قرآن و دعای ندبه و دعای کمیل هم برگزار می‌شد. یکی از اقدامات مفید مسجد جلیلی تأسیس کتابخانه بود. (در آن زمان دومین مسجد در تهران که دارای کتابخانه بود). اکثر کتاب‌هایی که وجود داشت مربوط به جوانان و مسائل آنان می‌شد. یکی از مسئولان

ذیربط در این باره گفته است: برای تشویق مردم با امر کتاب خوانی از افراد می‌خواستیم تا خلاصه‌ای از کتابی را که می‌خوانند بنویسند و ما خلاصه‌ها را جمع می‌کردیم و به بهترین آنها جایزه می‌دادیم. البته تمام این کارها با نظارت آیت‌الله مهدوی انجام می‌گرفت. (اسم این مراسم جشن کتاب بود.) بعدها مساجد دیگر به تقلید از این مسجد سیاست آموزش و جذب دانش‌آموز را در پیش گرفتند. تمام تلاش آیت‌الله مهدوی روی تربیت و هدایت جوانان به مسیر درست زندگی و ایجاد مانع در برابر رسوخ‌گرایی‌های انحرافی در جوانان متمرکز شده بود. آیت‌الله مهدوی در خصوص برگزاری یکی دیگر از جلسات دینی یعنی جلسات مربوط به مباحث و مسائل اقتصادی چنین می‌گوید: از یک طرف می‌دیدیم که مارکسیست‌ها جوانان را منحرف می‌کنند و اوضاع مملکت هم به گونه‌ای بود که جوانان را به سوی فساد و بی‌بند و باری می‌کشاند. از طرفی دیگر جوانان علاقه‌مند به مبارزه، بیشتر به سمت کمونیست‌ها گرایش داشتند؛ به این خاطر بود که بحث‌های اقتصادی را مطرح کردم.

هـ- امور خدماتی جهت‌دار

از امور خدماتی، گروه مددکاران بیماران و مستمندان بود. اقدامات مسجد در این زمینه عبارت بوده از: ۱. کمک‌رسانی به اقشار کم‌درآمد، آسیب‌دیدگان در زلزله و سیل و مردم رنج‌کشیده فلسطین. ۲. عیادت از بیماران. ۳. صندوق‌های امداد از دیگر فعالیت‌ها بود. ابداع صندوق‌های امداد طرح ابتکاری مسجد جلیلی بود. این طرح، پس از انقلاب، با الهام از الگوی مسجد جلیلی در سطح گسترده در کمیته‌های امداد دنبال شد. صندوق‌های جمع‌آوری اعانات که روی آن نوشته شده بود «بیماران را دریابید» یکی از منابع درآمد مسجد برای تأمین هزینه‌ها امداد رسانی به مستمندان محسوب می‌شد. این صندوق‌ها در مراکز درمانی و برخی مغازه‌ها نصب شده بودند. در حال حاضر هم تعداد ۱۵۰ صندوق در تمام سطح شهر وجود دارد. خانواده‌های نیازمند ماهی یک‌بار می‌آمدند و از اینجا مبلغی را می‌گرفتند. خانواده‌های تحت پوشش مسجد، علاوه بر دریافت خرج تحصیلی فرزندان خود موقع ازدواج آنها نیز از امکاناتی که مسجد برای تهیه جهیزیه‌شان فراهم کرده بود بهره‌مند می‌شدند. در حال حاضر هم تا آنجا که مقدور باشد مسجد، جهیزیه دختران را

تأمین می‌کند. در زمینه برگزاری جشن و اعیاد مذهبی هم مسجد فعالیت داشت: هدف از برگزاری جشن‌هایی چون (عید فطر، عید قربان، غدیر، مبعث، جشن میلادی ائمه اطهار، جشن کتاب) گسترش فرهنگ اسلامی بود. گل‌افشانی در خصوص برگزاری این جشن‌ها چنین می‌گوید: به طور کلی از هر فرصتی استفاده می‌کردیم برای اینکه فرهنگ اسلامی در جامعه ترویج پیدا کند، در میان جوانان و اقشار مختلف، از تولد ائمه اطهار بهره می‌گرفتیم. مسجد در برگزاری اعیاد مذهبی هم از اهداف سیاسی خود غافل نبود و با الصاق شعارهای تند و تحریک‌آمیز نظیر (اسلام یعنی تحرک، مسلمان، سکوت یعنی چه، فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما) منظور خود را اعلام می‌کرد.

و- ساواک و مسجد جلیلی

مسجد جلیلی در اوایل دهه چهل وارد بستر مبارزاتی شد. نوع مبارزه مسجد عقیدتی بود و مروجین فکر و اندیشه انقلابی در نوسازی افکار جوانان تلاش می‌کردند. گزارش‌های روز به روز مأموران ساواک از جلسات مسجد، گواهی بر حساسیت و احساس خطر از جانب چنین مراکزی بود. در پی وقایع سال ۱۳۴۲ حلق فشار بر کانون‌های مخالف رژیم شدت گرفت و در جلسه‌ای که عاملان رژیم که در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ برگزار کردند محدودیت‌های ویژه‌ای برای برگزاری مراسم سوگواری ماه محرم پیش بینی نمودند: از جمله: مشخص کردن و عاظ مسجد، نظارت دقیق بر مطالب عنوان شده، ارائه دستورات لازم در مورد و عظ به کلیه و عاظی که وارد شهر می‌شدند. در چنین شرایطی آیت‌الله مهدوی همچنان به کار خود ادامه داد و چون ساواک گفته بود نباید اسمی از امام برده شود با استفاده از الفاظ دیگر چون آقا، حضرت استاد، مقصود خود را می‌رساند؛ تا اینکه در شب ۲۳ رمضان سال ۱۳۵۴ توسط ساواک دستگیر و به بوکان کردستان تبعید شد. بعد از تبعید آیت‌الله مهدوی، ساواک تعهد گرفت نامی از امام در مسجد جلیلی برده نشود. آقای قاضی طباطبائی در این باره می‌گوید: وقتی این مطلب را به بنده گفتند که آقای جلیلی رفته تعهد داده که اسم امام برده نشود، من گفتم: مجلسی که اسم امام برده نشود چه فایده‌ای دارد. در اولین جلسه بعد از این ماجرا اسم امام برده نشد. منتها قبل از متفرق شدن جمعیت من

شعاری برای امام خواندم و برای سلامتی‌شان صلوات فرستادم. وقتی جمعیت صلوات فرستادند مأمورین ریختند داخل که یکی از حضار مجلس دست مرا گرفت و گفت که باید شما را تحویل دهم که البته با وساطت دیگران از دست او رها شدیم. واکنش مردم پس از تبعید آیت‌الله مهدوی قابل توجه بود. در شب ۲۲ ماه مبارک رمضان جلسه دعای کمیل در مسجد جلیلی منعقد شد. در اواخر دعای کمیل، نواری را که قبلاً توسط مهدوی کنی، دعای کمیل در آن ضبط شده بود پخش گردید.

علاوه بر حضور دائم مأمورین در مسجد ساواک سیاست‌های دیگری را نیز برای کسب اطلاعات به کار برد از جمله: ۱. اکثر خادمین مسجد از مخبرین ساواک بودند و به این خاطر بود که تمام مسجدی‌ها از خادم مسجد حساب می‌بردند و تا آنجا که می‌شد از آنها فاصله می‌گرفتند. ۲. استفاده از افراد فعال مسجد برای خبرچینی بود که این روش موفقیت چندانی نداشت. ۳. نفوذ در هیئت امناء. فعالیت‌های مبارزاتی مسجد تا جایی پیشرفت که دیگر ساواک برگزاری جلسات در مسجد جلیلی را ممنوع کرد و از این پس جلسات به صورت سیار برگزار می‌شد تا سال ۱۳۵۳. ساواک در مورد آیت‌الله مهدوی حساسیت بسیار داشت و از نظر ساواک او از روحانیون افراطی مخالف دولت و از طرفداران جدی امام خمینی بود. به عقیده ساواک وی فردی فوق‌العاده متعصب که نه تنها به تذکرات و اقدامات قانونی توجهی نداشته بلکه از موقعیت روحانیت خویش سوءاستفاده و هر چه تمام‌تر جهت پیشرفت مقاصد گروه‌های خراب‌کار فعالیت داشته، ساواک اشاره داشت که در مراحل مختلف بازجویی سعی در اغفال مأمورین و کتمان حقایق داشته و از ارائه مطالب و اطلاعات خودداری می‌کرده است. آیت‌الله مهدوی به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ دستگیر و به چهار سال حبس جنایی درجه یک محکوم شد.

نتیجه

مسجد جلیلی همچون یک نهاد سیاسی فعال از آغاز دهه چهل تا به امروز فعالیت بی‌وقفه‌ای را پشت سر گذاشته است. تلاش هفده ساله آن در پیش از انقلاب مروهون

زحمات مستمر بی‌شائبه آیت‌الله مهدوی کنی بود که با مدیریت سیاسی و عقیدتی، مسجد را به کانون مبارز و مخالفت حکومت مبدل کرد و فعالیت او ماهیت واقعی مسجد را با کارکرد سیاسی، آموزشی عجین ساخت. حضور گسترده دانشجویان، اعضای فعال گروه‌های سیاسی، و عاظ انقلابی و شخصیت‌های دینی مبارز حاکی از پویایی و جذابیت مسجد جلیلی بود که با پیشبرد اهداف سیاسی خود در قالب برنامه‌های عقیدتی، در کنار معدودی از مساجد و مراکز دیگر، سنگری فعال برای مبارزین مسلمان محسوب می‌شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی